

**پیشرفت علمی** کشور از دغدغه‌های اصلی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. جامعه‌ی علمی و دانشگاهی کشور، مفاهیم و اصطلاحاتی نظیر جنبش نرم‌افزاری، اقتدار علمی، تولید علم، چرخه علمی، استقلال علمی، جهاد علمی و… را به کرات و به‌خصوص در ۱۲ سال اخیر از ایشان شنیده‌اند. در دیدار امسال رهبر انقلاب اسلامی با جامعه‌ی دانشگاهی کشور، ایشان باز هم به این موضوع تأکید کردند که اقتدار سیاسی و اقتصاد ایران نیاز به حفظ و تقویت «گفتمان علمی، گفتمان پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت عمومی کشور» است. در این شماره مناسب دیدیم تا گفت‌وگوی ارزنده‌ی مهندس سید محمودرضا سجادی، رئیس پیشین مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری با پایگاه اطلاع سانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای(Khamenei.ir) را منتشر کنیم تا نگاه رهبر معظم انقلاب به مقوله‌ی پیشرفت علمی کشور را مورد بررسی قرار دهیم.

«دغدغه‌ی پیشرفت علمی کشور با توجه به کدام مسأله‌شاسسی و آینده‌پژوهی شکل گرفته و این دغدغه چگونه توانست به یک گفتمان در کشور ما تبدیل شود؟ نقش رهبر انقلاب در این زمینه چه بوده است؟

در ایجاد گفتمان توسعه‌ی علم و فناوری در کشور، مهم‌ترین فرد را رهبر معظم انقلاب اسلامی دانسته‌اند. در تمام سال‌های رهبری آیت‌الله خامنه‌ای شاهد دیدارها و بازدیدها و نشست‌ها و گفت‌وگوهای بسیار ایشان با دانشگاهیان و نخبگان و دانشجویان و دستگاه‌های مربوط به این حوزه بوده‌ایم. پیگیری‌های خاص ایشان در ماجرای تدوین نقشه‌ی جامع علمی در خاطر بسیاری از فعالان علمی است؛ یا این‌که ایشان بارها در خصوص کم‌بودن بودجه‌ی تحقیقات تذکر داده‌اند. همچنین ایشان در سخنرانی عید نوروز سال ۱۳۹۰ در حرم رضوی سلام‌الله‌علیه آن جمله‌ی معروف را فرمودند که: «شکل‌گیری زنجیره‌ی تجاری‌سازی تولید علم و تولید ثروت ملی از نکات برجسته‌ی حرکت علمی کشور است. اگر زنجیره‌ی تولید دانش، تبدیل دانش به فناوری، تولید محصول و در نهایت تجاری‌سازی علم تکمیل شود، مسیر تولید علم به تولید ثروت ملی کشور و پاسخگویی به نیازهای ملت منتهی خواهد شد.»

این را که کدام مباحث فکری پشت این مسأله بوده است، می‌توان از حدیثی فهمید که رهبر انقلاب بارها در این مورد تکرار کرده‌اند: «العلم سلطانٌ من وُجِدَهَ صالٌ و من تمَّ یُجِدَهَ صیلٌ غلیه.» این حدیث نشان می‌دهد که علم از جنس توانایی و باعث عدم تسلط دشمنان بر ما و راه حل مسائل زندگی ما است. کشور ما امروز هم در مسائل اقتصادی، هم فرهنگی و هم سیاسی-امنیتی به این تسلط و به توانایی حل مسأله و مقابله با تهدیدهای دشمنان نیاز مبرم دارد.
**«دیدگاه رهبر انقلاب نسبت به آینده‌ی علمی کشور چیست؟ چرا ایشان تا این اندازه به موضوع پیشرفت علمی تأکید داشته‌اند؟ ورود ایشان به مصادیق پیشرفت علمی-نظیر نقشه‌ی جامع و توجه به نخبگان- با توجه به کدام ضرورت‌ها اتفاق افتاده؟ رهبر انقلاب در چه موارد دیگری نسبت به مسائل علمی کشور ورود مصادیقی داشته‌اند؟**

همان‌طور که اشاره شد ایشان بیش از دیگران بر مسأله‌ی حرکت علمی کشور تأکید داشته و دارند. نمونه‌های آن نیز در بحث نقشه‌ی جامع علمی کشور و دیدارهای متعدد با نخبگان و دانشگاهیان و تأکید بر افزایش بودجه‌های تحقیقاتی است. در خصوص آینده‌ی علمی کشور نیز ایشان در سال ۱۳۸۵ و طی چند سخنرانی اعلام کردند: «من از جامعه‌ی علمی کشور توقع نمی‌کنم که شما پنجاه سال دیگر در رتبه‌ی اول علمی دنیا قرار داشته باشید.» یعنی

# تقویت گفتمان علمی؛ لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور

چشم‌اندازی که ایشان ترسیم فرموده‌اند، جایگاه اول در دنیا است؛ البته در طول پنجاه سال که می‌شود سال ۱۴۳۵. بارها هم گفته‌اند که این توقع زیادی نیست، چون ما استعدادهای بسیار خوبی در کشور داریم و حق کشور ما همین است. همچنین در چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور نیز جایگاه اول علمی در منطقه را برای کشورمان هدف‌گیری کرده‌اند.

اصولاً نگاه ایشان به پیشرفت علمی از یک سو مبتنی بر مبانی اسلامی است که از ایشان جز این هم انتظار نمی‌رود. از سوی دیگر، نگاه ایشان به «علم» یک نگاه سنتی نیست که صرفاً علوم فلسفی و فقهی و علوم مربوط به دین و معنویت را با ارزش بدانند. بلکه ایشان «علوم تجربی» و «علوم دانشگاهی» را نیز در جایگاه صحیح خود قرار می‌دهند. درست است که ستیاری از علوم تجربی برای ابرای خدا ما ممکن است کاربردی نداشته باشد، ولی وقتی تکلیف دینی ما حکم می‌کند که باید در همین زندگی دنیایی، توانمند و پیروز و مسلط بر دشمنان و مسلط بر عوامل مختلف باشیم و برای اداری و سیاست و جامعه و اقتصاد و تمامی مشون زندگی بشر برنامه داشته باشیم، لذا قطعاً کسب علوم تجربی و علوم بشری موجود و سرآمد شدن در همین علوم نیز یک ارزش و یک اولویت راهبردی برای کشور است.

منظور رهبر انقلاب در بحث میانبر علمی این است که ما نباید فقط با دنباله‌روی از علوم دیگران، به پیشرفت نائل آییم، بلکه می‌توانیم مسیرهای جدیدی را باز کنیم و پیشاهنگ حوزه‌های جدید علم باشیم. تحقق این امر این‌گونه امکان‌پذیر است که دانشمندان ما با توکل بر خدا و خودباوری، اجازه ندهند کلیشه‌های ستیاری از علوم دیگران، خلاقیت آنها را محدود سازد. در گفتمان رهبری مشاهده نمی‌کنیم که ایشان علوم معنوی را در عرش بنشاندند و علوم تجربی را بر فرش. همچنین این را نمی‌بینیم که ایشان علوم متولد در غرب یا در دیگر کشورهای غیر عربی و غیر اسلامی را ذاتاً جنس بداندند و معتقد باشند که ما نباید از تجربه‌ی علمی جهان استفاده کنیم. لذا می‌بینیم که طیف موضوع «علم» در گفتمان ایشان بسیار وسیع است. ایشان بارها در سخنان‌شان به علوم‌ی مانند بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، فناوری هسته‌ای، فناوری پیاده‌سازی این بینش، پیش‌بینی شده است. که توفیقات کشور در این علوم برای ایشان بسیار مهم است.
**«تکمیل چرخه‌ی تولید ثروت از علم نیز یکی از دغدغه‌های مهم رهبر انقلاب است. این چرخه چه اهمیتی دارد و کشور ما با چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی در این زمینه روبرو است؟**

به نظر من بزرگ‌ترین رویداد علمی در کشور ما –چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن- تبیین «چرخه‌ی تولید ثروت از علم» توسط رهبر معظم انقلاب بوده است. این رویداد اقدام ایشان را نمی‌توان یک رویداد نامید، بلکه یک انقلاب زیربنایی در حوزه علم و فناوری است. این یک تحول بینشی بوده که سرمنشا همه‌ی تحولات مربوط به رشد علم و فناوری در کشور است. تا قبل از بیان این بینش توسط ایشان، ما در کشور معضلات لاینحلی در علم و پژوهش داشتیم. برخی از این معضلات به قرار زیر است:
از نگاه دانشگاهیان، «پژوهش» یک فرآیند بی‌تعهد و بدون مسئولیت تلقی می‌شد که همواره حاکمیت باید آن را تغذیه و حمایت می‌کرد، به امید آن‌که در آینده نامشخص منتهی به نتیجه گردد. از نگاه صنعت نیز پژوهش یکی اقدام تجملاتی به حساب می‌آمد که باید استاید را سرگرم و مشغول

**محمود رضا سجادی ؛ رئیس پیشین مرکز همکاری های فناوری و نو آوری**
**تقویت گفتمان علمی؛ لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور**
**مردم ما دارای استعدادهای چشمگیری هستند. ویژگی این استعدادها این است که در شرایط چالش و فشار به منصفی ظهور می‌رسند. مردم ما وقتی احساس خطر و نگرانی برای کشور بکنند، آستین‌ها را بالا می‌زنند و تا پای جان، احساس مسئولیت و تلاش می‌کنند. همین روحیه باعث شده که ما در شرایط فشار و تحریم بهتر عمل کنیم و دستاوردهای بیشتری داشته باشیم.**

می‌کرد تا آن‌ها برای دستگاه‌های اجرایی و مسئولیت‌های سنگین ایجاد مشکل نکنند؛در این فضا علی‌رغم سال‌ها تلاش، تعامل صنعت و دانشگاه هرگز به صورت جدی اتفاق نیفتاد. در آن فضا، تولید فناوری از پژوهش و تبدیل فناوری به تولید و ثروت، به عنوان امور ضد ارزشی و به‌دور از شأن عالمان تلقی می‌شد.

نتیجه‌ی این بینش، مصادق زنبوری بی‌عسل و درخت بی‌ثمر بود که کشور علی‌رغم صرف هزینه و نیروی انسانی، عایدی بسیار محدودی داشت.

رهبر انقلاب اسلامی با تبیین این زنجیره و متعهد کردن ارکان آن، یک نظام بینشی برای اقتصاد دانش‌بنیان را پایه‌گذاری کردند. اصل این بینش، کامل و فاقد ضعف است، ولی متأسفانه ساختار اجرایی آن مشکلاتی دارد. رهبر انقلاب نه‌تنها این بیش را تبیین کرده، بلکه ساختاری هوشمندانه را در رأس نظام اجرایی کشور برای آن پیش‌بینی کرده‌اند. ایجاد بست معاونت رئیس‌جمهور بهترین ساختاری بوده که برای پیاده‌سازی این بینش، پیش‌بینی شده است.
**« رهبر انقلاب تاکنون بارها از «میانبر علمی» صحبت کرده‌اند و رسیدن به قله‌های پیشرفت علمی دنیا را تنها از این طریق امکان‌پذیر دانسته‌اند. استفاده از راه‌های میانبر در بحث پیشرفت علمی چگونه تحقق می‌یابد؟ کلمه‌ی میانبر یعنی هر چیزی که راه را کوتاه کند و باعث**

شود ما سریع‌تر به مقصد برسیم. ضمناً معنی خشک‌سکی و نوآوری نیز می‌دهد. از طرف دیگر می‌دانیم که رهبر انقلاب به هیچ‌وجه مرعوب‌شدن در برابر کشورهای پیشرفته را نمی‌پذیرند. ایشان معتقدند که ما باید دارای خودباوری باشیم و مسیر پیشرفت علمی در کشور نباید مسیری تقلیدی باشد. ما باید به «تولید علم» فکر کنیم و خود را دارای توانایی ابداع و نوآوری بدانیم. همچنین دیدیم‌که ایشان چشم‌انداز کشور را در تمام دنیا -در طول پنجاه سال- دانسته‌اند. این‌ها همه تنها با رفتن از «راه میانبر» ممکن است و از راه‌های عادی نمی‌توان به این اهداف رسید. ولی برخی از این کلمه چنین برداشت کرده‌اند که ما حتماً باید از راه‌های عجیب و غریب به توسعه‌ی علمی بپردازیم و گزینه موفق به پشت سر گذاشتن آنها نوسعیی شد.

### دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir



به نظر من، مصادق «راه میانبر» در کلام رهبر انقلاب، هم دستیابی سریع‌تر و با روش‌های بدیع به همین علوم موجود در دنیا است و هم نوآوری و کشف مرزهای جدیدی از علم که هنوز کشورهای دیگر به آن حتی فکر هم نکرده‌اند. هر دوی این‌ها مصداق «راه میانبر» است چون در هر دو مورد ما راه را کوتاه کرده‌ایم.

رهبر معظم انقلاب بارها از حرکت دانشمندان کشور در مواردی مانند فناوری هسته‌ای و صنایع دارویی تشکر کرده‌اند و این‌که در بحث باعث دستیابی ما به فناوری‌هایی شده‌اند که در مسیر عادی شاید ده‌ها سال دیگر هم به آن‌ها دست پیدا نمی‌کردیم، به‌ویژه با توجه به این‌که کشورهای استکباری موانع بسیاری بر سر راه دستیابی کشورها به برخی فناوری‌های راهبردی و حساس قرار می‌دهند. این‌که جوانان، دانشمندان و پژوهشگران ما بتوانند با پیگیری و تلاش

خودشان این علوم را به دست بیاورند، از نظر رهبر انقلاب بسیار بار ارزش است. اما ایشان به پیمودن مجدد راه‌های رفته توسط دیگران -ولو سریع‌تر از حالت عادی- قانع نیستند. ایشان معتقدند ما می‌توانیم راه‌های جدیدتری را نیز در جهان علم کشف کنیم. «من می‌گویم در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، دست ما می‌تواند برسد.»

پیمودن راه‌های رفته‌شده و طی‌شده به وسیله‌ی دیگران است. در این شکی نیست، اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جستوجو برای یافتن راه‌های میانبر محروم و ممنوع کرد. ما در گذشته و در تاریخ علم کشور نیز دیدیم‌که این شیوه‌هایی همچون ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی و مانند ایشان فقط پیرو دانش زمان خود نبودند، بلکه با استعدادهای خلاق‌العاده‌شان توانستند راه‌ها و افق‌های جدیدی را در عرصه‌ی علم بگشایند. منظور رهبر معظم انقلاب در بحث میانبر علمی این است که ما نباید فقط با دنباله‌روی از علوم دیگران، به پیشرفت نائل آییم؛ بلکه می‌توانیم مسیرهای جدیدی را باز کنیم و مانند گذشته، پیشاهنگ حوزه‌های جدید علم باشیم. تحقق این امر نیز این‌گونه امکان‌پذیر است که دانشمندان ما با توکل بر خدا و خودباوری، به حوزه‌های جدید علم ورود کنند و اجازه ندهند کلیشه‌ها و

عادت‌های متداول علمی، ذهن و خلاقیت آنها را محدود سازد. رهبر انقلاب پیشرفت‌های علمی را به‌نوعی زیربنای حرکت و پیشرفت کشور می‌دانند. چرا و چگونه پیشرفت علمی می‌تواند نقش زیربنایی در پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور را ایفا نماید؟ درستی این دیدگاه در حوزه‌ی صنعت و فناوری‌های مختلف مادی که روشن است، با پیشرفت علم، خواص مواد و انرژی‌ها و فرآیندهای مربوط به تبدیل آن‌ها شناخته می‌شود. لذا انسان توانایی می‌یابد آن‌چه را در محیط اطرافش می‌بیند، بهتر بشناسد و آن را تبدیل به محصولات مناسب‌تر کند تا هم نیازهایش را رفع کند و هم از آن کسب درآمد کند.

از طرف دیگر، در گذشته خصوصیت صنایع و اقتصاد به گونه‌ای بود که غالباً نیروی کار ساده، مواد اولیه یا سرمایه، علت اصلی پیشرفت اقتصادی جوامع بودند. امروزه اما ماهیت صنعت و اقتصاد متفاوت با گذشته است. امروزه هر کسی دانش

فنی نداشته باشد، هر قدر هم نیروی کار ارزان یا منابع طبیعی داشته باشد، نمی‌تواند از نظر صنعتی و اقتصادی با دیگران رقابت کند. این دانش فنی است که نقش اصلی را در ایجاد ارزش افزوده در محصول یا خدمات ایفا می‌کند.

بنابراین هرچه دانش بیشتری در یک حوزه به کار گرفته شود، ارزش افزوده‌ی بیشتری خلق خواهد شد و سرعت رشد جامعه را بیشتر خواهد کرد.

در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز دانش باعث تسلط بیشتر بر ابعاد مختلف جامعه و توان مدیریت آن می‌شود. پس به دلیل پیچیدگی‌های امور مدیریتی در جهان امروز، نمی‌توان بدون دستیابی به علوم اجتماعی و مدیریتی، جامعه را اداره کرد.
**« به علوه فعالیت‌های کشور ما در بحث پیشرفت علمی، به‌دست‌آمدن این پیشرفت‌ها در زمینه‌های همچون دارو، هوافضا، نانو و انرژی هسته‌ای در شرایط تحریم و فشار دشمنان است. این پیشرفت در چنین شرایطی چگونه و بر اساس چه سازوکارهایی به دست آمده است؟**

علت این پیشرفت‌ها در زمان تحریم به عوامل متعددی بازمی‌گردد، اما به نظر من سه عامل نقش اصلی‌تر را دارند:
۱. مردم ما دارای استعدادهای چشمگیری هستند. ویژگی این استعدادها این است که در شرایط چالش و فشار به منصفی ظهور می‌رسند. مردم ما وقتی احساس خطر و نگرانی برای کشور بکنند، آستین‌ها را بالا می‌زنند و تا پای جان، احساس مسئولیت و تلاش می‌کنند. همین روحیه باعث شده که ما در شرایط فشار و تحریم بهتر عمل کنیم و دستاوردهای بیشتری داشته باشیم.

۲. دولت‌ها نیز در شرایط عادی، خیلی به توانایی‌های مردمی توجه نمی‌کنند و سعی می‌کنند نیازها و مشکلات کشور را با کمک‌گرفتن از تولیدات و خدمات خارجی رفع کنند. در شرایط تحریم، دولت‌ها از کمک خارجی محروم شده و مجبور می‌شوند که به توانایی‌های داخلی توجه و اعتماد کنند و همین موجب بروز استعدادهای مردمی و حصول پیشرفت‌ها می‌گردد.
۳. مهم‌ترین عامل عبارت است از تسبیح هوای، تأکیدات و پیگیری‌های رهبر معظم انقلاب، به تیم معصوم علیه‌السلام: «التَّاسُّ عُلی دین مُلُوکِهِم». در تاریخ نیز می‌بینیم هرگاه حاکمی به علم و دانش یا ادبیات و شعر اهمیت داده، آن حوزه پیشرفت کرده است. فضایی که ایشان در کشور ایجاد کرده‌اند، بهترین زمینه را برای تحقق توسعه‌ی علم و فناوری فراهم کرد است.

خلاصه آن‌که رهبر بزرگوار انقلاب با «طراحی بینشی جامع»، با «تبیین آرمان» و با «ارزش‌سازی تلاش در جهت توسعه» سه عنصر اصلی پیشرفت را فراهم آورده‌اند. در مورد ساز و کار هم می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که واقعاً این تشکیلات‌ها نیستند که حرف اصلی را می‌زنند، بلکه مدیران فناوری هستند که اصلی‌ترین تأثیر را دارند. یعنی هر کشوری هرچا از مدیران سیاسی یا شعاری استفاده کرد، آن حوزه پسرقت خواهد داشت. متقابلاً هرگاه کارها را به مدیران فہیم و متعهد سپرد، آن حوزه پیشرفت خواهد کرد.

**کاری که به نام و یاد شهدا باشد عجب برکتی دارد هنوز ساعتی نگذشته روستاییان جمع می‌شوند و صف می‌کشند و یکی یکی وارد کلینیک می‌شوند و دکتر نیز گویی تمام توان خویش را در حداقل زمان بیشتری خدمت را به مردم محروم روستا بکنند و درد بیشتری را از روستاییان بزداید.**

ایران را رفته‌اند و به یاری خدا کارشان را ادامه خواهند داد. در پایان فکسر می‌کنم متن دست‌نوشته مقام معظم رهبری خطاب به یکی از گروه‌های جهادی بهترین هدیه و تشکر برای خدمت خالصانه این گروه جهادی باشد. چرا که زیباترین لحظه عمر آدمی آن زمان است که بدانی ولی زمانت از اقدام و عملکرد تو رضایت کامل را دارد.

**متن دست‌نوشته حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به یکی از گروه‌های جهادی:**

بسمه تعالی
از همه‌تان بسیارمزارم و شما را به خدا می‌سپارم. میل به خدمت به مردم و تحمل سختی‌های آن، نقطه‌ای نورانی در باطن انسان است، آن را هرچه می‌توانید در جان خود گسترش دهید و نگذارید آفتها، سودجویی، خودمانی، تنبلی و… آن را گل‌اندود کند. نیت خود را خالصانه ننگهداری. فداق سرسامیک و کاشنی است. علت را بسؤال می‌کنند می‌گویم به علت مشکلات مالی است و او همان جا کلیه هزینه‌های سرسامیک و کاشنی کردن را تقبل می‌کند!

در راه بر گشت از آنها درباره فعالیت‌هایشان بیشتر سوال می‌کنم. می‌گویند که اردوهای زیادی را برگزار کرده‌اند و مقصد همه آنها فقط روستاهای محروم کشور بوده‌است.

از شرفی‌ترین نقطه کشور،نهبندان، تا غربی‌ترین نقطه کشور، پاوه و دل کویری‌ترین نقطه ایران منطقه طرود در کویر مرکزی

**« دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه**

**صفحه ۸**
**چهار شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۲**
**۵ دیقعد ۱۴۳۴ – شماره ۲۵۸۸**

### دانشگاه در جهه- ۴۱

**دانشجوی شهید محمد علی فنایی**

شهیدفنایی درسال۱۳۴۲در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان خمین چشم به جهان گشود. وی با شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در رشته مهندسی برق در دانشگاه تهران شد. نقش شهید را در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران، تعلیم قرآن در مساجد مختلف، شرکت در بسیج و پاسداری در شب‌های سرد و ترایک زمستان و نیز فعالیت در انجمن اسلامی وزارت معادن و فلزات به عنوان مسئول اردوهای این انجمن می‌توان از جمله فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی او نام برد. وی در ارگان‌های مختلفی از جمله وزارت معادن و فلزات، نفت، امور خارجه، آموزش و پرورش و آموزش عالی فعالیت داشت. او سه بارمورد سوء قصد منافقین قرار گرفت.با وجودعلاقه شدید به تحصیل، جبهه های نبرد را خالی نگذاشت و در طول جنگ اکثراًدر جبهه‌ها حضور داشت و در بیشتر حمله‌ها شرکت می‌کرد. وی بالاخره در تاریخ ۶۵/۴/۲۱ در جبهه مهران و در عملیات کرکلی ۱ شربت شهادت را نوشید. پیکر پاکش چهار روز رزیر آفتاب داغ و سوزان جنوب مانده بود و بعد با تلاش همرزانش به عقب برانده و تحویل خانواده‌اش شد.

**در بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهید آمده است:**

هنگامی که می‌خواستم وصیت‌نامه خویش را بنویسم به فکر فرو رفتم و در این فکر بودم که چه مطلقاً را در این وصیت‌نامه بگنجانم که بعد از خودم به درد ننهالان آینده مملکت بخورد. قلم در دست گرفتم؛ دست‌کی من نبویی آن را به حرکت در می‌آورد و این نیرو بود که انسان را به‌وجود آورد و به او راه دفاع از خویش و مبارزه را آموخت و به او نیز نیرو داد تا در دست‌کی قرآن کتاب آسمانی و در دست دیگر سلاح برگردد و بر علیه ظلم و ستم بایستد.

مستغنیف در نهایت حکم بر روی زمین خواهند بود زیرا آن وعده الهی است. عداوت در جبهه جنگ از جان خویش گذشته می‌جنکند، و عداوتی را در پشت جبهه‌ها با منافقین از خدا بی‌خبرم… این کردلان باید بدانند درختی که خون آن را آبیاری کرد باشد هیچ‌گاه خشک نمی‌شود و باید بدانند چون حرکت آن‌ها بر ضد ولایت فقیه و توحید می‌باشد آخرش به بن بست می‌رسد.

پدر و مادر عزیزم؛
خانواد را شکر می‌کنم که والدینی هم‌چون شما داشتم که من را راه‌طوری تربیت و تحول جامعه‌ا کردید که بتوانم مدافع حق باشم. دوست دارم که در جلوی خدا نقلابیون چنان روحیه‌ای داشته باشید که مادران دیگر از شما الهام گرفته و یاد بگیرند زیرا شما مادران شهید فرادی قیامت در پیش حضرت زهرا(س) رو سفید خواهید بود و آن روزو به فاطمه زهرا(س) خواهید گفت که: فاطمه جان اگر در عاشورا کسی نبود که فرزند تو را باری کند ما فرزندان تربیت کرده‌ایم تا جان ناقابل خویش را فدای راه حسین (ع) و کرکلی حسین(ع) کنند. در آخر متذکر می‌شوم که امام را تنها نگذارید.

### اخلاق دانشجویی

### بهترین افراد



روی عن علي بن الحسين (عليهماالسلام) قال:
«عَلِمْتُ أَنَّ الْمُؤْمِنَ حَسَنٌ: الْوُزْنُ فِي الْخُلُقِ وَ الصِّدْقَةِ فِي الْقَلْبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ الْجَمْعُ عِنْدَ الْعُضْبِ وَ الصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ.»
روایتی از امام زین العابدین(صالحات‌الله‌علیه) منقول است که حضرت فرمودند: مؤمن پنج نشانه دارد. اولاً: «وَزْنٌ فِي الْخُلُقِ»، مؤمن حالت کناره‌گیری از گناه دارد، آن هم در موقعی که غیر از خدا حاضر و ناظری نیست. اگر کسی در غلن معصیتی را ترک کند، مثلاً شرب خمر نکند یا نمودن الله با نامرحم نامشروع برقرار نکند، خوب است، اما این ترک گناه در غلن، گویای این نیست که این فرد باصلاح ایمان قوی داشته باشد.

اگر در جایی که جز خدا کسی نبود، گناه را ترک کرد، آنجا معلوم می‌شود که ایمان در قلب او رسوخ کرده است و به تعبیر اهلسن اعتقاد، از واردات قلبیه او شده است، چون جز خدا هیچ‌کس را حاضر و ناظر نمی‌بیند و خودش را در محضر الهی می‌بیند؛ لذا این ترک گناه خیلی ارزشمند است.

دوم: «وَ الصِّدْقَةُ فِي الْقَلْبِ»، وقتی مؤمن تنگ دست است، به مقدار توانش در راه خدا اتق می‌کند و صدقه می‌دهد. این مورد نیز گویای این است که وابستگی مؤمن به خدا از نظر درونی قوی است، چون آن کسی که دستش خالی نیست بلکه از امور مادی بر است و فراوان دارد، اگر چهار ستم‌ر هم به این و آن کمک کند، خوب است، اما خیلی هنر نکرده است، چرا؟ چون دستش بر است، اگر کمکی می‌دهد، چیزی از او نمی‌شود. اگر آنجایی که می‌بینی از تو کم می‌شود و نسبت به امر دنیایی تعلق داری، آنجا اتفاق کردی ارزش دارد. «وَ الصِّدْقَةُ فِي الْقَلْبِ».

سوم: «وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ»، آنگاه که مصیبتی متوجه مؤمن می‌شود، صبر می‌کند، تحمل می‌کند، نمودنالله زبان به شکایت از خداوند نمی‌گشاید. این صبر کاشف از این است که رابطه اش باخدا رابطه‌ای عمومی و قوی است، «وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ». این عمل ارزشمند است.

چهارم: «وَ الْجَمْعُ عِنْدَ الْعُضْبِ»، علم یعنی بردباری، آنگاه که نیروی خشمش برانگیخته می‌شود و عصبانی می‌شود، خودش را کنترل می‌کند و این حلم و بردباری شرف و افتخاری او می‌کند. مؤمن هنگام خشم جلوی خودش را می‌گیرد تا خشم و غضبش افسار سنجیده نباشد. این یکی از نشانه‌های مؤمن بود.

پنجم: «وَ الصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ»، معمولاً کسانی که مبتلا به دروغگویی می‌شوند، به خاطر یکی از دو چیز است: یا جلب منفعت است یا دفع ضرر، ریشه دروغگویی این‌دو هستند. شخص مذکور… او نمی‌ترسد که منفعتی را از دست بدهد، دروغ می‌گوید. مثلاً مشتری آمده، برای آنکه نکند از دست بدهد، ما دروغ می‌گوی، از خوف اینکه منفعتی را از دست بدهد دروغ می‌گوید، یا از آن طرف، از اینکه ضرری متوجه‌اش شود، می‌دارد. آنجا خوف از دست رفتن منفعت بود، این یکی خوف از جلب ضرر است، لذا دفع ضرر عملت متوکل شد و هم دروغ می‌باشد. اولی جلب منفعت بود، دومی دفع ضرر، «وَ الصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ». آنجایی که مؤمن بیم دارد نفعی از دستش برود یا ضرری متوجه‌اش شود، بازم راه راست می‌گوید.

بحار الانوار ج ۶۴

**حاج آقا مجتبی تهرانی**